info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۷۱
چهارشنبه / ۷ خرداد / ۱۴۰۴
۱ / ذوالحجه / ۱۴۴۶
28 / May / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری - سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳ - ۰۲۶ - فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

خواندنی

امروز با حافظ

به قَدّ و چهره هر آنکس که شاهِ خوبان شد
جهان بگیرد اگر داد گستری داند
ز شعرِ دلکشِ حافظ کسی بُوَد آگاه
که لطفِ طبع و سخن گفتنِ دَری داند

خواندنی

راه عشق از روی عقل از بهر
آن بس مشکل‌ست
کآن نه راه صورت و پای‌ست
کآن راه دل‌ست

سنایی

اذان‌گو

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۰۹	۰۴:۵۲	۱۲:۰۳	۱۹:۱۵	۱۹:۳۵

برگه

انسان کسی را می‌تواند نجات دهد که خود اصرار به سقوط نداشته باشد...

تولستوی

دیدگاه

حذف ۴ صفر یا درمان

طرح حذف صفر از پول ملی در سال ۱۳۹۸ مطرح و در مرداد همان سال در دولت حسن روحانی (دولت دوازدهم) تصویب شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، لایحه پیشنهادی بانک مرکزی با هدف تغییر واحد پول ملی و حذف چهار صفر پس از تصویب در دولت وقت به مجلس ارسال شد که نیمه اردیبهشت ۱۳۹۹ نمایندگان با کلیات آن و تبدیل واحد پول از ریال به تومان موافقت کردند و به شورای نگهبان ارسال شد که این شورا به لایحه مصوب مجلس ایرادتانی گرفت. پس از آن اصلاحات لازم در کمیسیون اقتصادی انجام شده تا اکنون که در نوبت بررسی دوباره در صحن مجلس قرار دارد و در بهارستان مسکوت مانده است. حتی مدتی سه صفر در اسکناس‌های چاپ جدید کمرنگ شد تا برای مردم عادی شود. بااین حال اجرای آن حدود سه سال زمان می‌برد. حالا دوباره حذف چهار صفر از پول ملی، در دستور کار دولت چهاردهم قرار گرفته است. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، ۲۲ اردیبهشت امسال و در همایش سیاست‌های پولی و ارزی از حذف صفرها از پول ملی به عنوان یکی از برنامه‌های این بانک در سال ۱۴۰۴ خبر داد. وی گفت: تصویر ریال ایران، تصویر مناسب و صحیحی در اقتصاد جهانی نیست و به همین منظور سیاست حذف صفر از پول ملی در دستور کار قرار دارد. اجرای این سیاست در زمان مناسب می‌تواند به بهبود تصویر ریال کمک شایانی کند و امری ضروری است.

جعفر مهدی‌زاده، مدیرکل سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی در مورد حذف صفر از پول ملی می‌گوید: این اقدام هرچند به لحاظ مفهومی پیچیده به نظر نمی‌رسد اما از نظر اجرایی و اجتیجکی با چالش‌های فراوانی مواجه است. وی با بیان این که درست است سهم اسکناس در نظام پرداخت بسیار کم شده، اما هنوز افرادی از فیزیک اسکناس استفاده می‌کنند تاکید کرد که هر صفر که به قیمت یک کالا افزوده می‌شود، یعنی قیمت آن کالا ۱۰ برابر شده. درحالی که اگر تورم بلندمدت ۲۵ درصد باشد، سال‌ها طول می‌کشد که یک صفر به قیمت افزوده شود. مهدی‌زاده تصریح کرد: اجرای این طرح در شرایط فعلی اقتصاد ایران که نرخ تورم بالاست، می‌تواند از نظر محاسباتی و مدیریتی مفید باشد به شرطی که با سایر اصلاحات اقتصادی همراه شود و بدون انجام کامل اصلاحات، حذف صفرها بی‌فایده نخواهد بود. براساس بررسی‌ها تاکنون بیش از ۲۰ کشور اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کرده‌اند که بررسی این تجارب، نتایج متفاوتی، از شکست تا موفقیت در این کشورها نشان می‌دهد. این اقدام تاثیری بر اقتصاد ندارد، اما در روندهای حسابداری تغییراتی ایجاد خواهد کرد. با این حال منتقدان این اقدام می‌گویند که لبّتا باید اقتصاد به ثبات برسد و تورم تکرقمی شود و پس از اصلاحات اقتصادی متناسب با شرایط حذف صفر از پول ملی صورت گیرد. موافقان معتقدند درشت بودن اعداد و ارقام ریالی در مبادلات تجاری، هویت دادن به واحد پولی و اثر روانی، حذف صفر از پول ملی را ضروری کرده است که می‌تواند نتایج مثبتی حتی در تواهمت داشته باشد. بااین حال پیش‌نیاز اصلی تغییر پول ملی کشور و حذف صفرها، اصلاحات اقتصادی و مهار تورم است.

اولویت اقتصاد ایران حذف صفر است؟

حسن حسن‌خانی، کارشناس مسائل اقتصادی در مورد حذف صفر از پول ملی می‌گوید: لبّتا باید به این سؤال پاسخ داد که آیا این اقدام برای اقتصاد ایران در اولویت قرار دارد؟ که پاسخ منفی است و به هیچ‌عنوان اولویت ما نیست؛ زیرا این اقدام فقط یک کار نمایشی است و تأثیری در اقتصاد ندارد. وی با اشاره به تجربه برخی کشورها برای حذف صفر از پول ملی، افزود: ترکیه چندین سال پیش شش صفر از پول خود را حذف و لیر جدید را پایه‌گذاری کرد، ولی امروز وضعیت لیر جدید در مقابل دلار مانند گذشته شده است. همچنین برزیل به‌عنوان رکورددار حذف صفر از پول ملی، شش بار این کار را انجام داده و در زمان‌های مختلف ۱۸ صفر از پول ملی خود را حذف کرده و بارها ناچار به تکرار این سیاست شد. این کارشناس اقتصادی با بیان حذف صفر از پول ملی که تأثیر خاصی روی تورم دارد یا نه تأکید کرد: بانک مرکزی احساس می‌کند این اقدام می‌تواند روی انتظارات تورمی اثرگذار باشد، ولی این گونه نیست؛ زیرا تا زمانی که نتوانیم شوک‌های ارزی را کنترل کنیم، امکان تقویت پول ملی با حذف صفر وجود ندارد. حسن‌خانی گفت: پیش‌نیاز حذف صفر از پول ملی، خشک کردن ریشه تورم در اقتصاد ایران است؛ زیرا با این شرایط دوباره باید چند سال بعد برای حذف صفر از پول ملی اقدام کنیم. همچنین حذف صفر، هیچ ارتباط و تأثیری بر رشد نقدینگی، کنترل مقداری ترازنامه و... در حوزه تقاضا ندارد و در مورد اثرات حذف چهار صفر در حجم پول و استفاده از اسکناس نیز بیان کرد: ایران در سال‌های گذشته در میان کشورهای مختلف، کرور دار کاهش استفاده از اسکناس بوده و امروز میزان اسکناس که در اقتصاد ایران استفاده می‌شود کمتر از یک درصد از حجم مبادلات کشور است؛ بنابراین حجم پولی که چاپ می‌شود اصلا برای مردم مسأله نیست و مردم از راه‌های مختلف نیازهای خود را تامین می‌کنند. این کارشناس اقتصادی مسأله امروز اقتصاد ایران را تورم دانست و تصریح کرد: امروز در تمام روستاهای کشور اینترنت برقرار است و کارتخوان وجود دارد؛ همچنین با استفاده از اپلیکیشن‌های موبایلی، امکان جابه‌جایی پول و... وجود دارد و مردم در سطح بسیار ناچیزی به پول فیزیکی نیاز پیدا می‌کنند. ایران در جهان در کاهش استفاده از حجم پول فیزیکی رتبه نخست را در سال‌های گذشته دارد؛ به همین دلیل حذف صفر از پول ملی در اولویت نیست و مردم در استفاده از بانکداری الکترونیکی مشکلی ندارند.

گزارش روز

مراقب زیرزمین باش!

نخستین بار بود که جسارت حضور در چنین جایی را پیدا کرده بودم، از یک بیابان بی‌آب و علف و تاریک گذر کردیم تا به یک سوله نسبتا بزرگ رسیدیم صدای همهمه‌ای محوبه گوشم می‌رسید. ماشین را پارک کردیم و همراه دوستم به سمت سوله رفتیم، مردی چهارشانه با هیبتی ترسناک جلوی در بود. یک اسم رمز رد و بدل شد و ما وارد محوطه‌ای شدیم که دور تا دور آن عدهای آماده نشسته بودند تا تماشاگر بساط خون و قمار باشند. هیجان بالایی داشتم و کمی هم ترسیده بودم، هر کسی یک اسم مشخص را برای تشویق فریاد می‌زد. از پسر ۱۷ ساله تا جوان سی و چند ساله را دور تا دور قدس مسابقه می‌دیدم، یکی دسته صدتایی دلار دستش بود و دیگری سیگار و گل، به محض ورود ۲ میلز به قدس و شروع مسابقه، نخستین چیزی که دیدم فواره خون بود که از دهان یکی از میلزها بیرون زد...

MMA

مبارزات در قفس یا MMA یکی از همین تفریحات زیرزمینی است که به صورت غیرقانونی و بدون مجوز در ایران برگزار می‌شود. هرچند سال ۱۴۰۰ وزارت ورزش و جوانان مجوز رسمی فعالیت این رشته را صادر کرد تا بلکه برگزاری آن به صورت قانونی و زیر نظر یک نهاد رسمی از شدت آسیب‌های آن کم کند اما با این حال به دلیل شرط‌بندی‌های کلان، معاملات مواد مخدر، اسلحه و... در این مسابقات غیرمجاز، همچنان تئوری برگزاری MMA به صورت غیررسمی داغ است. ورزشی که بلای جان خیلی از جوان‌ها شده و در موارد بسیاری منجر به مرگ فرد مسابقه‌دهنده یا همان فایترشده است، مرزهای که تقریبا هیچ محدودیتی ندارد و هر کس با هر فنی که بلد باشد آنقدر ضربه می‌زند تا حریف را از میدان به در کند.

* زول پارتی

این هم یکی دیگر از تفریحات برخی اعضای نسل Z به شمار می‌آید تفریحی جدید و البته کثیف که در لوکیشن‌های مخفی یا غیررسمی برگزار می‌شود. میزبان با یک ظرف پر از قرص زولبیدم که یک خواب‌آور قوی به شمار می‌رود به سمت مهمان‌هایی می‌رود.

دخترون و پسران جوان مشت خود را پر از دانه‌های قرص می‌کنند و با یک لیوان آب بالا می‌دهند. بعد از چند دقیقه، حالتی از خواب‌آلودگی، توهم و مستی وجودشان را فرامی‌گیرد و رفتارهای هیجانی و خارج از عرف آغاز می‌شود.

در این پارتی‌ها معمولا نوعی موسیقی الکترونیک یا هیپ هاپ پخش می‌شود که می‌تواند به نوعی مشابه پارتی‌های کاوب‌ها یا باشگاه‌های شبانه باشد اما در محیط‌های مخفی‌تر.

مراسم عرفانی با چاشنی روانگردان

این روزها تهاجم فرهنگی تا جایی پیش رفته که باور، ایمان و اعتقادات نوجوانان و جوانان را هدف قرار داده. انتخاب این گروه سنی هم کاملا حساب شده است. مهاجمان فرهنگی در غرب بخوبی می‌دانند به دلیل تأثیرپذیری بالای ناشی از سن نوجوانی و جوانی، هیجان این افراد سرکوب‌نشدنی است و به همین جهت هم به راحتی می‌توانند از آن، در راستای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند و یا کلوبیج کردن مفهوم آزادی، جوانان را به سمت هدفی مجهول سوق دهند. برپایی مراسم عرفانی با کمک مواد مخدر و توهم‌زا امکان دسترسی به تجربیات فراواقعی یا به اصلاح «آگاهی فرابَر» را برای نسل جدید فراهم می‌کند. فرد مصرف‌کننده این مواد ممکن است به حالت‌های توهمی برسد که در آن احساس کند به جهان‌های دیگری دسترسی پیدا کرده یا با ارواح و نیروهای ماورالطبیعه ارتباط برقرار کرده است. گاهی هم این توهم‌ها در خانه‌های زیرزمینی به مشیطان پرستی منتهی می‌شود.

بازی خون در پایتخت!

در این شیوه تفریح زیرزمینی، شاهد بازی‌های فجیع نسل جدید با خون خودشان هستیم. در این تفریح تلخ عدای نوجوان با اجاره کردن ساعتی یکی از هزاران خانه خالی در پایتخت، میهمانی خود را با چاشنی خون آغاز می‌کنند.

وسیله این تفریح مرگبار، سرنگ‌هایی است که با آن خون خود را می‌کشند و مجدد به بدن تزریق می‌کنند. گاهی برای لذت بیشتر خون گرفته شده را با مقداری مواد مخدر مخلوط کرده و مجدد وارد بدن می‌کنند.

این خودآزاری مرگبار معمولا ریشه روانی دارد و می‌تواند همچون سایر رفتارهای پرخطر، عواقب غیرقابل جبران به همراه داشته باشد.

رنگ پارتی

در این مراسم به ظاهر جشن گونه، دختران و پسران بر اساس قانونی نانوشته و به گفته صاحب میهمانی با ایاشی که تم رنگی مشخصی دارد، متلا سفید سرمه‌ای یا حتی قرمز در این میهمانی حاضر می‌شوند.

در ابتدای میهمانی و در بدو ورود میهمان‌ها به آنها قوطی‌های رنگ مخصوص قابل شستشو می‌دهند و به این ترتیب، میهمانی رنگ‌ها آغاز می‌شود.

نور، موسیقی و صدای دی‌جی و سرو برخی نوشیدنی‌های غیرمجاز اساس میهمانی را تشکیل می‌دهد تا حاضران از این طریق به وجد آیند و به سر و صورت و لباس همدیگر رنگ بپاشند. مأنقطه الوقاع و اقسام پارتی‌ها و تفریحات غیرمجاز زیرزمینی و البته خطرناک زیر پوست شهر در حال انجام است. تفریحاتی که با جستجو برای هیجان و تجربه‌های متفاوت از آنچه که معمولا پذیرفته شده همراه هستند.

کاهش اضطراب با تفریحات پرخطر

علیرضا شریفی‌یزدی، جامعه‌شناس و روانشناس اجتماعی درباره سبک تفریحات نسل جدید می‌گوید: «از بعد روانشناسی عمدتاً افرادی به سمت تفریحات زیرزمینی می‌روند که ماجراجویی بخشی از ویژگی شخصیتی آنهاست. برخی هم به دلیل داشتن اختلال شخصیت ضداجتماعی به این سمت و سو کشیده می‌شوند.

اگر بخواهیم تحلیل ساختاری جامعه‌شناسی داشته باشیم واقعیت امر این است که کشور ما در حال تجربه یک اضطراب اجتماعی ساختارمند است. تبدیل یک جامعه سنتی به جامعه مدرن، اضطراب اجتماعی سنگینی را بر جامعه ایران تحمیل کرده و افراد به عنوان مکانیزم دفاعی برای کاهش این اضطراب به رویه‌های مختلفی چنگ می‌زنند که بتوانند به اصطلاح، این اضطراب را کاهش داده یا مدیریت کنند.»

ضعف زیرساختی برای تفریحات سالم

روانشناس در ادامه می‌گوید: «در مورد بخش کوچکی از نسل Z به دلیل اینکه این نسل مجول است و از سوی دیگر امکان دسترسی به رسانه‌های جدید و رخدادهای جهانی برایش بسیار سهل و آسان‌تر از نسل‌های قبل شده، بتوانیم مقوله سبک زندگی یا شیوه تفریح کردن و گذران اوقات فراغت برایش متفاوت می‌شود.

مأنقطه، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های غربی بالاترین ضریب نفوذ و بالاترین تأثیرگذاری را در بخش‌هایی از نسل Z دارند و همین موضوع باعث شده نسل جدید به سمت تفریحات زیرزمینی و پرخطر یا روابط بی‌محابای جنسی کشیده شود و مأنقطه به دلیل اینکه زیرساخت‌های ما برای تفریحات سالم و مناسب کافی نیست، شرایط هر روز بدتر هم می‌شود.»

شریفی‌یزدی در پایان می‌گوید: «۳ دسته والد داریم. والد درجه یک مثل پدر، مادر، همو، خاله، بابزرگ و... والد درجه ۲ یعنی مربی مهد کودک و معلم مدرسه و والد درجه ۳ یعنی گروه همسال و رسانه در دوره نوجوانی. والد درجه ۳ جای خود را با والد درجه یک عوض می‌کند. یعنی اصلی‌ترین والد نوجوان دیگر پدر، مادر یا معلم نیست. بلکه گروه همسالان و رسانه اصلی‌ترین والدین آنها می‌شوند. گروهی که نوجوان یا آن همانتمازی می‌کند. به حرفش گوش می‌دهد و سبک زندگی خود را با او همسان می‌کند. من ۲ کلیپ دیدم که واقعا تأسف‌برانگیز بود.

ما سال‌های قبل شاهد اکس‌پارتی‌هایی بودیم که الان به کوک پارتی، پول پارتی، فیمال پارتی و... تبدیل شده‌اند. تفریحاتی که مأنقطه به لایه‌های پایین جامعه هم تسری یافته و اگر فکری برای آن نکنیم، به نظر می‌آید سال‌های آینده مشکلات بیشتری را تجربه خواهیم کرد.»

بدون شک، سرمایه‌گذاری در زمینه تفریحات جوانان، نه یک هزینه، بلکه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آینده کشور است و مسئولان فرهنگی، شهری و اجتماعی باید با تکالمی علمی و جامع، برای ایجاد فضاهای متنوع، در دسترس و جذاب برای جوانان برنامه‌ریزی کنند. در غیر این صورت در آینده نه‌چندان دور شاهد شاهد افزایش اختلالات روانی و گرایش به رفتارهای پرخطر، کاهش تعلق اجتماعی و افزایش نارضایتی اجتماعی باشیم.

اشاره

بازگشت به گذشته، با چهره‌ای مدرن

وقتی جوانان گوشی‌ها را خاموش می‌کنند

شاید یلورش سخت باشد؛ همان نسلی که دنیا او را با گوشی و هنذرفری و چهره‌ای خم شده پشت نمایشگرها می‌شناسد، حالا مشتاقانه در صف تجربه‌ای ایستاده که اسمش «بازگشت به زندگی واقعی» است. جنبشی آرام اما عمیق در خیابان‌های اروپا در جریان است؛ جوانانی که دلوطلبانه تلفن‌های هوشمندشان را خاموش می‌کنند و طمع ارتباط چهره‌به‌چهره را با همه سادگی و بی‌واسطگی‌اش، دوباره می‌چشند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از هفت صبح، در این روزها که هر صبح با صدای اعلان و هر شب با نور آبی گوشی‌ها به خواب می‌رویم، سه جوان هلندی با ایده‌ای ساده اما جسورانه به میدان آمده‌اند. نام اینکارشان هست: «ایتاک‌ها آفلاین». جالب است: صفحه اینستاگرامی‌شان نزدیک به ۵۳۰ هزار دنبال‌کننده دارد و همین تناقض، شاید بهترین توصیف حال و هوای جهان امروز باشد: جایی که حتی برای دعوت به زندگی آفلاین، باید سراغ آنلاین‌ها رفت!

ایلیا کنه‌پهلوت، جوردی فان بنتکوم و والنتین کلاک، خسته از این روزمرگی دیجیتال، سعی کردند رفاهی پیدا کنند تا آدم‌ها را حتی برای چند ساعت از زندان لیکریول و لایک و دایرکت بیرون بکشند. رویدادهای‌شان ساده است: دورهمی‌هایی که در آن خبری از موبایل و اپلیکیشن نیست. کسی پیامی نمی‌فرستد و هیچ «استوری» ای به اشتراک گذاشته نمی‌شود. در عوض، جمعی از غریبه‌ها کتاب می‌خوانند، بازی می‌کنند، نقاشی می‌کشند یا فقط بی‌دغدغه، کنار هم می‌نشینند و تنفس می‌کنند.

شعارشان، به سادگی و صراحت: «زمان صفحه‌نمایش را با زمان واقعی عوض کن.» اما آیا این شعار، واقعا طرفداری دارد؟ پاسخ را باید در آمارها جست‌وجو کرد: تازه‌ترین نظرسنجی‌ها حرف‌های جالبی دارند. بر اساس مطالعه اخیر موسسه استاداارد، در بریتانیا ۷۰ درصد جوانان ۱۶ تا ۲۱ ساله، بعد از وقت‌گذرانی در شبکه‌های اجتماعی احساس بدتری دارند. تقریبا نیمی از این نسل به وضع قانون‌هایی شبیه «قرنطینه دیجیتال» پس از ساعت ۱۰ شب رأی مثبت می‌دهند و جالب‌تر اینکه ۴۶ درصد دوست داشتند جوانی‌شان را در روزگاری بی‌اینترنت سپری می‌کردند؛ روزگاری که پیامک مثل نامه، خبر از کسی می‌آورد.

شاید تعجب کنید اگر بدانید حتی تلاش‌هایی مثل بازگشت گوشی‌های ساده و بی‌اپلیکیشن (همان «Boring Phone»ها) هم نتوانسته عطش حضور آنلاین این نسل را خاموش کند. هرچه باشد، تلفن‌های هوشمند در تاریوود روزمره همه ما گره خورده اما در دل این عادت، یک خستگی پنهان در حال زبانه کشیدن است؛ میل به خاموش کردن، حتی برای چند ساعت.

این عطش، فقط یک واکنش احساسی یا مد زودگذر نیست. دادمها هم از آسیب‌های روانی صحبت می‌کنند: اضطراب، افسردگی بی‌خوابی و حتی رفتارهای اعتیادگونه. پژوهشی که اوایل امسال در نشریه BMC Medicine منتشر شد، نشان داد فقط سه هفته کاهش استفاده از موبایل، می‌تواند تا ۲۷ درصد از علائم افسردگی را کم کند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هم گزارش داده که سلامت روان جوانان در ۱۵ سال اخیر نزولی بی‌سابقه داشته؛ پاندمی کرونا هم این شیب را تندتر کرده است.

اما شاید مهم‌تر از این دادمها، لحظه‌هایی است که جوان‌های آفلاین دور هم جمع می‌شوند، گوشی‌ها خاموش، چشم‌ها براق و خنده‌ها واقعی... در لندن، اوایل آوریل، بیش از هزار نفر دلوطلبانه گوشی‌هایشان را کنار گذاشتند و تصویر شادی‌شان، باز هم به لطف اینستاگرام، خبرساز شد! تناقضی زیبا: برای ثبت لحظه‌ای بی‌واسطه، هنوز هم دست به دامن آنلاین‌ها می‌شویم.

دولت‌ها هم کم‌کم وارد میدان شده‌اند؛ از قانون‌گذاری برای محدودیت سنی ورود به شبکه‌های اجتماعی در نروژ و استرالیا، تا ممنوعیت استفاده از موبایل در مدارس دانمارک. سیاستمداران می‌گویند زمان بازنگری در شیوه زیستن دیجیتال فرا رسیده. اما حقیقت شاید ساده‌تر باشد: جوان امروزی، در میان هزار امکان و انتخاب، هنوز هم تشنه یک چیز است: تجربه اصیل بودن در کنار دیگران، بدون هیچ واسطه‌ای. عصر دیجیتال شاید ما را بیشتر از همیشه به هم وصل کرده باشد اما جنبش آفلاین دارد نشان می‌دهد که برای ارتباط واقعی، هنوز هم راهی به بیرون از صفحه‌ها است. همین که از یک سلام ساده، یک نگاه مستقیم و یک مکالمه بی‌پرده آغاز می‌شود چه کسی فکرش را می‌کرد؛ نسل شبکه‌های اجتماعی، حالا پرچمدار بازگشت به زندگی واقعی است.

حقایق تغذیه‌ای طلای مایع برای سلامت و زیبایی

روغن زیتون از جمله مواد غذایی طبیعی و مفید است که به‌دلیل خواص شگفت‌انگیزش بر بدن، جایگاه ویژه‌ای در طب سنتی و تغذیه مدرن دارد

- کمک به کاهش وزن و تنظیم قند خون
- پوست درخشان و بدون چین‌وچروک
- تسکین درد و درمان طبیعی افسردگی
- درمان آفتاب‌سوختگی و مقابله با پیری زودرس
- رفع مشکلات گوارشی با روغن زیتون
- محافظ قلب و کاهش‌دهنده کلسترول بد

ISNA

مکث

رقاصی به یاد مردگان!

گروه‌های موسیقی این روزها به مهمانان همیشگی مراسم ختم بدل شده‌اند، اما گویا تازه‌واردانی نیز به این جمع پیوسته‌اند: رقصندگان. گویا عزا نیز، مانند هر مناسبت دیگر، به مدی تازه نیاز دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، سوگواری در ایران همواره با آیین‌هایی همراه بوده است که سینه را می‌فشارد و دل را به آسمان می‌سپارد: سینه‌زنی، نوحه‌خوانی، تلاوت قرآن، دعا و فاتحه اما حالا گاه می‌بینیم که یاهانیز به حرکت درمی‌آیند.

گویی مرگ نیز در قاره‌ای تازه نیاز داشته است که حالا یهانه‌ای است برای رقص. در فرهنگ ما، مجلس ختم جایگاه طلب مغفرت است و کارشناسان مذهبی معتقدند این مراسم جایی که یازماندگان با ذکر و خیرات، یاد گناهان مرده را سبک می‌کنند، نه آنکه بار دیگری بر دوشش نهند.

در گوشه‌ای از اینستاگرام، دختری جوان تعریف می‌کند که چگونه در مراسم ختم مادر دوستش رقصیده است. او این کار را «هدیه‌ای به روح مرحومه» خوانده و ویدئوی آن را نیز منتشر کرده است: ترم‌هزمک می‌رقصد، آهنگ ملایم است و جسد در همان اتاق آرام گرفته است.

واکنش‌ها دوگونه بود:

عده‌ای آن را «شکستن تابو» نامیدند. «تسلی مدرن» برای دلی شکسته. اما بسیاری دیگر با اژجار پرسیدند: «این چه رسم تازه‌ای است؟ مگر عزاداری جای رقص است؟»

چشم و هم چشمی در مجلس ترحیم

ایرانیان از دیرباز سوگواری را با تلخ، سوبه و مویه همراه کرده‌اند. حتی در آیین‌های کهن زرتشتی، مرگ بیش از هر چیز با سکوت و حرمت پر گزار می‌شد. اما امروز گویی نسل تازه‌ای می‌خواهد سوگ را نیز به سبک خود بگذراند: نه با نوحه، نه با موسیقی و یاپکویی. البته رقصی که حرکت ها در آن نرم و آرام است.

روانشناسان می‌گویند شاید این روش برای برخی، راهی برای پذیرش مرگ عزیزان باشد. اما عمده جامعه و فرهنگ ایرانی، خلافی نگاهی دیگر دارد. نسل جدید در هر حال شیوه هایی تازه برای خود قائل است. بخشی از این گرایشات به تاکارآمدی روش‌ها و افکار جاری و قدیمی تر بر می گردد.

آیا این تنها یک مد زودگذر است؟ یا نشانه‌ای از دگرگونی نگرش نسلی که می‌خواهد در هر حال، "خود" باشد؟ در این میان، چشمچوم چشمی‌ها نیز بی‌تأثیر نیستند. این پدیده تنها به نسل جوان محدود نمی‌شود؛ برخی از خانواده‌ها نیز گویا در این رقابت و در این تغییرات سهیم‌اند.

پاسخ را سال‌های آینده روشن خواهند کرد. اما آیا آن روز، رقص در کنار مردگان برای بسیاری از ایرانیان پدیده‌ای ناخوشایند و ناپذیرفتنی خواهد ماند یا مثل خیلی از تغییرات دیگر، خود را به فرهنگ جامعه تحمیل می کند؟

از مسجد تا تالارهای لوکس

چند سالی است که مراسم ترحیم از مساجد و حسینیه‌ها کوچ کرده و به تالارهای مجلل پناه برده است. روزانه‌های چندی پیش نوشته بود که سه‌لاترین منوی پذیرایی در این مراسم، برای هر نفر نزدیک به دو میلیون تومان هزینه دارد و این تازه آغاز راه است.

اما در این میان، خانواده‌هایی نیز هستند که از تشریفات پرهیز می‌کنند. هزینه سنگین مراسم را بر دوش بازماندگان نمی‌گذارند یا دست کم، به جای هزینه‌های بیهوده، دست یاری‌گر را به سوی کار خیر دراز می‌کنند. در برابر این سادگی، اما پکیج‌های جدیدی به بازار آمده است: موسیقی، رقص و سماع. بهای این اجراها گاه از ده میلیون تومان آغاز می‌شود و هر رقصنده، اگر از بیرون از فامیل باشد، در حدود پنج میلیون برای چند دقیقه حرکت می‌طلبد. تفاوت دیگر این مراسم با روال سابق، در ویدئوهای صفحات اینستاگرام برخی تالارها دیده می‌شود: بستگان متوفی با لباس‌های مجلسی تیم‌رنگ، خانم‌ها با آرایش کامل و شنیون‌های هنرمندانه اُلاکه از نگاه عامه جامعه_ گویی نه در سوگ که در مهمانی شبانه حاضر شده‌اند.

سوگ یا نمایش؟

به اعتقاد مذهبیون و عامه جامعه، روند رو به رشد مراسم‌های برزرق‌وبرق، نیازمند تأملی جدی است. آنها می گویند مجالس ختم که باید مأمنی برای تسلی دل‌های شکسته و طلب آمرزش باشند، امروز گاه به صحنه‌ای برای نمایش ثروت و چشم‌وهم‌چشمی بدل شده‌اند. این روند نه تنها از معنای اصلی خود تهی شده که فشار روانی و اقتصادی سنگینی بر دوش بازماندگان می‌گذارد، به‌ویژه آنان که ناچارند برای حفظ آبرو، در این رقابت نابرابر شرکت کنند.

البته که الگوهای نادرست گذشته در حوزه‌های متعدد نیز در این میان بی‌تأثیر نبوده‌اند. هرچند اصولا در مراسمی همانند سوگواری، رسم هایی ماندگار می شوند که برآمده از حال درونی و واقعی افراد داغدار و اطرافیان باشد و گزنه اگر سناریو باشد و ساختگی به نظر بیاید، دوامی نخواهد داشت.

به هر روی، جدا از جنبه های چشم و هم چشمی که همواره خسارت بار است، این پدیده و دلایل آن، نیازمند بررسی و کنکاش است. نسل جدید با وجود همه تفاوتهایش، اما اهل گفت و گو نیز هستند.